

عشایر و هویت ملی



اوراق تاریخ ایران، مشحون از تحركات ايلي و عشایري است که وفاداري آنها را به ایران نشان مي دهد. بدون تردید، تاریخ هر کدام از ایلات و قبایل عشایري ایران را ورق بزنیم، حکایات بسیاری از فداکاریهای آنها را در راه وطن مشاهده مي کنیم و این بدان معناست که عشایري بودن، تنها يك شیوه زیست است که به اقتضای شرایط اقلیمی و زیست محیطی برای تأمین معاش برگزیده شده است و عنوان عشایر و زندگی سیار کوچ نشینی، هیچ گاه آنان را از علايق ملی و تمرکز حواس و ثبات عزم نسبت به مام وطن غافل نساخته است.

يکي از مواردی که نشان آشکاري از پیوند عشایر با ایران و هویت ملی ایرانی است، نفوذ عمیق فرهنگ و ادب ایرانی است. بدیهی است که زبان و ادبیات به عنوان ارکان مهم فرهنگ جامعه، محتوای هویت يك جامعه را تشکیل مي دهند و متون ادبی به عنوان نماد ادبیات و فرهنگ محسوب مي شود. در مکتب خانه های قدیم، ملأهای عشایري کتابهای بوستان و گلستان سعدي و شاهنامه فردوسی را به عنوان متن درس مورد استفاده قرار داده به فرزندان عشایر مي آموختند. در این میان شاهنامه در میان عشایر از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. محقق و عشایر پژوه ارجمند، آقای دکتر جواد صفي نژاد، در اثر ارزشمند خود، عشایر مرکزی ایران شرح مبسوطی از پیوند ماهوی و عاشقانه عشایر بویراحمد و بختیاری و قشقایی و لرستان با شاهنامه را آورده و مواردی را که خود شاهد آن بود، ذکر کرده است. ایشان نقل مي کنند:

در تیر ماه ۱۳۶۲ که در منطقه سفیدار در طایفه قاید گیویها بودم در «مالي» به مناسبتی جوانی ابیاتی از شاهنامه را قرائت کرد. نگارنده هم در همان زمینه به جواب پرداخت، کار شاهنامه خوانی بالا گرفت، ناگهان جوان شاهنامه خوان از مجلس که حدود ۱۰ تا ۱۲ نفر در آن حضور داشتند بیرون رفته و داخل يکي از چادرها شد پس از زمان کوتاهی به مجلس بازگشت، مشاهده گردید که نامبرده چقه جنگ پوشیده و تفنگ برنو لوله بلندی به دوش انداخته در مقابل ما نشست، تفنگ را در کنار خود ستون نمود، با يك دست تفنگ را نگه داشته، دست دیگری را روی گوش خود گذارده با صدای بلند و سوزناکی خواندن مجدد شاهنامه را آغاز نمود و از این خواندن همه حاضرین متأثر شده بودند. ۱

سر اوستن هنري لایارد، دیپلمات انگلیسی، که در سالهای ۱۸۳۹-۱۸۴۲ میلادی به ایران مسافرت کرد، پس از شرکت در يکي از مراسم شعرخوانی در ایل بختیاری، تحت تأثیر قرار گرفته و مشاهدات خود را این گونه ذکر کرده است:

من بارها در قرارگاه محمدتقی خان شاهد و ناظر مراسم شعرخوانی بودم و متوجه شدم که خواندن اشعار و سرودهای رزمی چه تأثیر عمیقی بر روی مردم کوه نشین بختیاری به جای می‌گذارد ... آنان تا پاسی از شب در اطراف محمدتقی خان که بر روی فرشی در کنار شعله های آتش نشسته بود جمع می‌شدند و به آواز شفیع خان که با صدای بلند مشغول خواندن شاهنامه یا داستان خسرو شیرین و سایر شعری ایرانی مانند حافظ و سعدی بود گوش می‌دادند ... محمدتقی خان نیز مانند دیگران تحت تأثیر این گونه صحنه ها قرار می‌گرفت.

من یک شب در اندرون شاهد بودم که هنگامی که یکی از داستانهای مورد علاقه اش خوانده می‌شد مانند یک طفل شروع به گریه نمود. وقتی من در نهایت تعجب به او گفتم شما در جنگهای بسیار شرکت جستید و دشمنان فراوانی را به دست خود به قتل رساندید، چگونه از شنیدن چند بیت شعر این چنین منقلب می‌شوید؟ در پاسخ گفت: صاحب، نمی‌توانم جلو اشکهایم را بگیرم، این اشعار قلب مرا می‌سوزاند. ۲

این پیوند با هویت ایرانی است که عشایر را با ایران پیوند می‌دهد و آنان برای حفظ تمامیت آن، یا خود دولت تشکیل می‌دهند یا در مواقع نیاز دولتهای مرکزی را یاری می‌کنند. بر پایه چنین یگانگی میان عشایر و دولت مرکزی و ایران است که حکیم الهی در هشتم ذی‌قعدة ۱۳۱۴ به میرزا علی خان امین‌الدوله، صدراعظم مظفرالدین شاه، توصیه می‌کند:

تاریخ به ما آموخته است که بهترین مدافعین در همه دوران، عشایر کوچ رو ایران بوده اند. از زمان مادها و فتح اسکندر تا زمان صفویه، عشایر برای کشور ایران نیروی قوی، مخلص و وفادار بوده اند که می‌توان روی آنان حساب کرد... در گذشته، شاهان همیشه به دنبال این بودند که عشایر را نسبت به سرنوشت کشور حساس کنند. آنان اغلب با ایجاد پیوندهای زناشویی بین دختران خوانین و رؤسا، همبستگی و اتحاد میان خود و ایلخانان را بیشتر و محکم تر می‌کردند. بدین وسیله شاهان می‌توانستند به هنگام گرفتاری، از پشتیبانی مطمئن و محکم آنان بهره مند گردند ... در گذشته به هنگام جنگ، شاهان از این قدرت استفاده می‌کردند و تنها با همین قدرت بود که حدود ۶۰۰ سال تاج و تخت هخامنشیان در امان ماند. داریوش کبیر، رؤسای ایلات را در گارد مخصوص خود ثبت نام کرده بود، گارد شاهنشاهی به عنوان گروهی مطیع و مغلوب نشدنی در نظر گرفته می‌شد. به حدی خوانین ایلات از خود شجاعت و خلوص نشان می‌دادند که شاهان اغلب به دنبال عشایر بودند و از هیچ فرصت مناسبی برای نزدیک تر کردن خود به آنان، و برقراری اتحاد مستقیم فروگذار نمی‌کردند؛ زیرا عشایر ارتش مهمی برای دفاع از مملکت به شمار می‌رفت ... به لطف همکاری عشایر بود که صفویه توانست به قدرت برسد. کریم خان زند ... از ایل زند برخاسته بود و اغلب از ایلات دیگر هم استمداد می‌جست ... آغامحمد خان، بنیانگذار سلسله قاجار، از ایلات ترک بود و همیشه سعی می‌کرد همه ایلات ایران را با هم متحد نماید ... نباید فراموش کرد که ایران در مجموع مانند ارگانیک است که عشایر حکم استخوان بندی آن را دارند و این اسکلت باعث حفظ گوشت و قلب می‌شود.

<http://www.yadegar.ir>